

آینة

کیمان

بی‌خبری از گلایه‌های مردم؟!

● «اعتراضی بود، تمام شد. برخی سوءاستفاده کردند، نیروهای امنیتی به‌خوبی اداره کردند. الان شمای جامعه‌شناس، روان‌شناس اجتماعی و... باید تحلیل و واکاوی کنید علت اعتراضات را...» اینها بخشی از سخنانی است که رئیس‌جمهور محترم در جشنواره خوارزمی و درباره آفتشاش دو هفته قبل بیان کرد. مناسب نیست بگویم که ایشان می‌داند مشکل چیست و اقدامی نمی‌کند یا می‌داند و تجاهل می‌کند و برای رفع مسئولیت، موضوع را به کارشناسان ارجاع می‌دهد. پس خوش‌بینانه باید بگویم که رئیس‌جمهور اساسا هیچ اطلاعی ندارد که مردم به چه چیزی معترض‌اند و چرا صدایشان به گلایه و انتقاد بلند شده است! چون دکتر روحانی جایگاه مهمی دارد نمی‌توانیم بگویم از مشکلات طاقت‌فرسای «اقتصادی» خبر دارد، اما به جای توبیخ مقامات ارشد بانکی و اقتصادی، به ناروا آدرس مطب «روان‌شناس» و دفتر «جامعه‌شناس» را می‌دهد! این حرف‌ها را نمی‌توان به رئیس‌جمهور نسبت داد. نمی‌توانیم بگویم کارگر فلان کارخانه ۱۰ ماه است حقوق نگرفته و شرمنده زن و بچ‌هاش شده، رئیس‌جمهور هم خبر دارد، اما کاری نمی‌کند!

روایت

حاشیه چیست، متن کدام است؟!

● سخنان اخیر رئیس‌جمهور در دیدار وزیر و معاونان وزارت امور اقتصاد و دارایی واکنش‌هایی را در جامعه به‌ویژه در حوزه‌های علمی‌به‌رانگیخت. حجت‌الاسلام روحانی در این نشست بی‌ارتباط با مسائل روز و مسائل اقتصادی و معیشتی مردم گفت «هیچ استثنائی در کشور برای انتقادکردن وجود ندارد و در کشور ما معصوم نداریم، حالا به وقتی اگر امام زمان در کشور ظهور کرد، حالا اون وقت هم می‌شه نقد کرد، پیامبر اسلام (ص) هم به مردم اجازه انتقاد می‌دادند و بالاتر از مقام پیامبر در تاریخ وجود ندارد...». آیا بحث‌های امروز ما پیرامون چند و چون جایگاه نقد و انتقاد در جامعه‌هاست؟ چه کسی گفته است در کشور برای نقد استثنا وجود دارد؟ مطالبی که از رئیس‌جمهور درمورد نقد معصوم نقل شد عینا از نوار سخنرانی و فایل صوتی و تصویری ایشان پیاده شده است و تکذیب آن معنی ندارد. بی‌پایگی این نظرات و تضاد و مغایرت آن با عقاید اسلامی و شیعی به کسی پوشیده نیست، کافی است رئیس‌جمهور نقد حضرات آیات فاضل‌لنکرانی، سیداحمد خاتمی... را دراین‌باره بخواند... مملکت ما مملکت آزادی است. مردم انقلاب کردند تا آزادانه حرف خود را بزنند. از دیدگاه مردم و نخبگان هیچ‌گاه نته‌نا نقد در کشور تعطیل نبوده بلکه اعتراض هم به کارکردهای دولت و مسئولان تعطیل نبوده است.

مهر

احترام امام‌زاده با متولی آن است

● ولی‌الله شجاع‌پوریان: با نگاهی آماری و میدانی به نماز جمعه در شهرهای مختلف به‌ویژه تهران در دو دهه گذشته، درمی‌یابیم استقبال از این فریضه الهی رو به کاهش بوده است؛ تریبون نماز جمعه در این سال‌ها به‌ویژه دهه اخیر به ابزار یک جناح سیاسی تقلیل یافته و از رسالت و اهداف اصلی خود دور شده است. امامان جمعه که باید با رواداری و فاصله‌گرفتن از رقابت‌های سیاسی و در قامت نمایندگان رهبری چتر خود را گسترده کنند و مروج روشنگری و نقد‌های منصفانه در جامعه باشند، به ابزاری برای حمایت از یک دولت و نقد دولتی دیگر تزل یافته‌اند... البته که نقد مسائل روز به‌ویژه شرایط امروز جامعه یکی از رسالت‌های اصلی انمه جمعه است، اما آیا افکار عمومی حق ندارد بپرسد چرا ادبیات انمه جمعه نسبت به عملکرد دو دولت این‌قدر متفاوت است؟ چرا افرادی که در گذشته مردم را به کم‌کردن وعده‌های غذایی و خوردن اشکنه دعوت می‌کردند امروز بیش‌قراول انتقاد از وضعیت اقتصادی شده‌اند که دولت مطلوب آنها مسبب اصلی آن بوده است؟!

مهر

نندولواپسان

● در یک سال اخیر گروه سومی نیز به مخالفان برج‌ام افزوده شدند که می‌توان نام آنان را «نو دلوایس» نهاد. این گروه با مذاکره موافق است، حتی با طیف میانه‌رو درون حاکمیت هم مخالفتی ندارد و رای خود را به نام حسن روحانی به صندوق‌های رأی ریخته است، اما نسبت به چگونگی مصرف منابع حاصل از برجام پرسش‌ها و ابهام‌هایی دارد. این گروه با منقارآردان اعدادی عجیب‌وغریب و در بیشتر اوقات غیرواقعی به‌عنوان منابع حاصل از توافق هسته‌ای این پرسش‌ها را مطرح می‌کند که آیا این منابع مالی عظیم برای ایران مصرف شده‌است یا نه؟ برخی شایعات را تجمعات اعتراضی اخیر نیز ناظر بر همین پرسش‌ها و ابهام است. «نو دلوایسان» نسبت به کلیت نظام سیاسی در همه این سال‌ها و به مرور بی‌اعتماد شده‌اند و امروز مخالف برجام هستند زیرا معتقدند که سود برجام به جیب ایرانیان نرفته است.

politics@sharghdaily.ir

✎ **چندی بعد از استعفاي مهندس بازرگان، همه‌پرسی قانون اساسی برگزار شد و بعدتر هم اولین انتخابات ریاست‌جمهوری، مهندس بازرگان و نهضت آزادی در قبال این دو انتخابات چه موضعی گرفتند و چطور با آن روبه‌رو شدند؟ درباره انتخابات ریاست‌جمهوری می‌دانیم که مهندس بازرگان تمایل داشتند نامزد انتخابات شوند اما در نهضت آزادی رأی نیاورد، ماجرا چه قرار بود؟**

شاید بهتر است ابتدا به این نکته اشاره شود که چرا دولت موقت استعفا داد. به‌خاطر تداخلی که نهادهای دیگر در کار دولت داشتند، قبل از آبان ۵۸ دو یا سه بار دیگر هم درخواست استعفا داده شده بود. آن‌قدر این تداخل و پیامدهای سوء‌مدیریتی آن گسترده بود که در شورای انقلاب تصمیم گرفتند که دولت موقت و شورای انقلاب ادغام شوند و به‌طور مشترک مدیریت کشور را تصدی کنند تا این‌گونه تداخل‌ها حذف شود. همان موقع در سالگرد جشن پیروزی انقلاب الجزایر، مهندس بازرگان به‌همراه دکتر یزدی و دکتر چمران، به آن کشور سفر کرده بودند. در حاشیه آن سفر با برژنسکی درباره مطالبات دولت ایران از آمریکا مذاکراتی داشتند. هم‌زمان شاه برای معالجه به آمریکا رفته بود و این نگرانی در ایران مطرح بود که توطئه‌ای در سفر شاه به آمریکا نهفته و بیماری او بهانه باشد. در ۱۳ آبان هان دانشجویان خط امام سفارت آمریکا را اشغال کردند. استعفاي دولت موقت که مطرح شد، ابتدا رهبر فقید انقلاب نپذیرفتند. اما بعد از اینکه متن استعفا از صداسویما خوانده شد، استعفاي مهندس بازرگان را پذیرفتند. این نکته خیلی مهم است که چرا به‌رغم فضای ملتهبی که به‌وجود آمده بود که حتی وزرا می‌گفتند ما دیگر امکان ورود به وزارتخانه‌هایمان را نداریم، [امام] نمی‌خواستند استعفا را بپذیرند. فضای چپ و ضددولت موقت فراگیر شده بود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت دلیل این بود که حزب جمهوری اسلامی که به‌دنبال قدرت بود، هنوز آمادگی تصدی دولت را نداشت. به‌همین علت شورای انقلاب با مدیریت آقای بنی‌صدر دولت را اداره می‌کرد.

در چنین شرایطی مهندس بازرگان یک سخنرانی دارند که خداحافظی ایشان از دولت موقت محسوب می‌شود. نکاتی آنجا وجود دارد که به‌نظر من خیلی آموزنده است. نکات آن سخنرانی، فضای خداحافظی مهندس بازرگان و پیامی که در آن سخنرانی وجود دارد، خیلی مفید است. در چنین فضایی هر آدمی که کمی خودخواهی می‌داشت، باید سیاست را می‌بوسید و می‌گذاشت کنار. اما ایشان این کار را نکرد، چراکه دنبال مسائل شخصی و گروهی نبود؛ ایشان به‌دنبال منافع ملی و آینده کشور بود. چه کرد؟ باز هم همکاری‌های خود را در شورای انقلاب ادامه داد. خیلی مهم‌است که باوجود تمام مسائلی که پیش آمده بود، عضو شورای انقلاب ماندند. حتی آیت‌الله خمینی ایشان را در پی اختلافاتی که در دوران بنی‌صدر پیش آمد، به‌عنوان یکی از اعضای شورای حکمت انتخاب کردند.

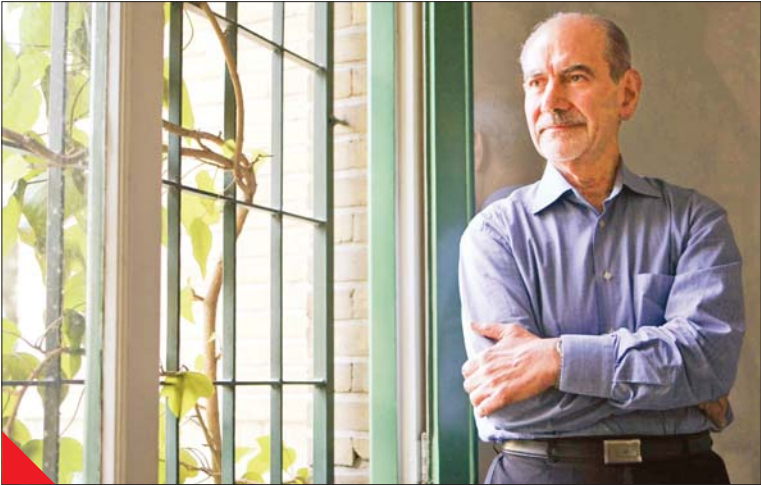
برای توضیح انتخابات ریاست‌جمهوری باید یک توضیح مقدماتی بدهم تا ریشه مسائل خود را نشان دهد. در سال ۵۶ نهضت تجدید سازمان کرد، آقای مهندس سحابی هم از زندان آزاد شد. بعد از پیروزی انقلاب هم جمعی از دوستان ما از خارج به کشور بازگشتند. آقای خمینی بعد از تشکیل دولت موقت گفتند که مهندس بازرگان باید مستقل از نهضت آزادی قبول مسئولیت کند، نهضتی‌ها هم اخطا به این حرف عمل کردند. مثلا بنده که شهردار تهران بودم، در آن مدت در هیچ کار تشکیلاتی نهضت مشارکت نکردم و تمام تمرکزم بر خدمات مدیریت شهری بود. مهندس بازرگان و بقیه دوستانی هم که در دولت بودند، همین طور عمل کردند.

به این معنا نهضت مظلوم واقع شد؛ چون تمام رهبران و جمعی از کادگان آن که مسئولیت داشتند، کار سیاسی و تشکیلاتی نمی‌کردند. آقای مهندس سحابی و جمعی که مسئولیت نداشتند، نهضت را اداره می‌کردند. نگاه مهندس سحابی با توجه به اینکه چندین سال در زندان بودند، با نگاه مهندس بازرگان و دیگران در زمینه‌های اقتصادی تفاوت‌هایی داشت. بعد از دولت موقت آقای مهندس سحابی ترجیح داده دیگر با نهضت همکاری نکنند. بنابراین با جمعی از دوستانشان در همان آذر ۵۸ استعفاي کتبی خودشان را به مهندس بازرگان دادند. این مسئله خصوصی بود. وقتی که بحث انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شد، نگاه مهندس بازرگان این‌طور بود که استعفا ندهید، اما آقای مهندس سحابی خودشان نامزد ریاست‌جمهوری شدند. آقای مهندس سحابی آمادگی نداشتند- به‌خاطر اینکه زندان بودند و احتمالا به‌لحاظ شرایط خانوادگی آمادگی نداشتند- و گفتند آقای دکتر حبیبی نامزد شوند. دلایل این بود که جمعی که با مهندس سحابی بودند نگاه رادیکال و چپ داشتند و فکر می‌کردند که دکتر حبیبی می‌توانست نگاه اقتصادی و اجتماعی موردنظر آنها را دنبال کند. وقتی این گزینه در شورای نهضت مطرح شد و تقریبا با اکثریت ضعیفی آقای حبیبی رأی آوردند، مهندس بازرگان بسیار ناراحت شدند. درخصوص آن رویداد، قبلا یادداشتی نوشته‌ام و توضیح دادم چرا مهندس بازرگان آن شب را تلخ‌ترین شب زندگی خود دانستند.

✎ **یعنی اگر مهندس بازرگان با جدایی طیف چپ نهضت آزادی موافقت می‌کردند، در‌شورای مرکزی نهضت آزادی رای می‌آوردند و در اولین انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد می‌شدند؟**

بله، اما مهندس بازرگان اصلا علاقه‌مند نبودند آنها از نهضت بروند. ما همیشه به‌دنبال جذب بودیم. مهم این است که مهندس سحابی از چنان شخصیت منصف و با سلامت فکری برخوردار بودند که در سال‌های بعد به‌دفعات گفتند که در مواردی که من با بازرگان اختلاف‌نظر داشتم، حق با بازرگان بود. اگر متن و دلایل استعفاي ۱۴ تفری را که از نهضت جدا شدند - که در خاطرات دکتر محمد مهدی جعفری چاپ شده است- ببینید، متوجه می‌شوید که مهندس بازرگان حق داشت بگوید: آن رخداد «تلخ‌ترین شب زندگی من بود».

سیاست



عکس: مهیوی حسینی

محمد توسلی از مشی سیاسی نخست‌وزیر دولت موقت می‌گوید

تاریخ قضاوت می‌کند

امام گفتند ۳ نفر را کاری نداشته باشید؛ مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دکتر یزدی

حسین جلالی: ۲۹ دی سال ۱۳۷۳ مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت و دبیرکل نهضت آزادی درگذشت. بازرگان در اعمال و کنش خود همیشه به آینده توجه داشت. این توجه دو آبشخور داشت: اول اینکه او دنیا‌دیده‌تر و واقع‌بین‌تر از آنی بود که پیامد بسیاری از اعمال لحظه‌ای را درنظر نگبرد و دوم، او به‌گونه‌ای عمل می‌کرد که در آینده هم عملش قابل دفاع باشد. همین منش، بازرگان را در تاریخ معاصر ما به یکی از چهره‌های مهم و البته «الگو» تبدیل کرده است. به‌همین دلیل به سراغ بار و همراه همیشگی او محمد توسلی رفیق‌م تا خط مشی بازرگان را در خلال رویدادهای بعد از دولت موقت تا دی ۷۳ بررسی کنیم. او در دوران جنگ چگونه از ارزش‌های موردنظر خود دفاع کرد؟ در قبال وقایع سیاسی این دوره چه واکنشی داشت؟ محمد توسلی جوانه‌زن تخم «اصلاح‌طلبی» را حاصل کوشش بازرگان می‌داند.

مجلس اول که تمام شد، بازهم کنار نشستند. از سال ۶۲ تا ۶۷، در انتخابات مجلس دوم و سوم همواره ما در دفتر نهضت - در خیابان مطهری- سمینار تشکیل می‌دادیم؛ سمینار تأمین آزادی و سلامت انتخابات. قانون اساسی را توضیح می‌دادیم که انتخابات آزاد یعنی چه، سلامت انتخابات یعنی چه و در چه شرایطی باید انتخابات برگزار شود.

✎ **بعد از مجلس اول دیگر نامزد انتخابات نشدید تا انتخابات چهارم ریاست‌جمهوری در سال ۶۴...**
شروط مناسب نبود. ما شرایط را حتی برای نامزدی هم مناسب نمی‌دیدایم. در اسناد نهضت این نکات هست. در تمام انتخابات باینه و خط‌مشی خودمان را توضیح داده‌ایم. حتی به سمینارهایی که تشکیل می‌دادیم، حمله می‌کردند، خراب می‌کردند و داستان‌های این چنینی زیاد بود.

✎ **انتخابات‌ها را تحریم می‌کردید؟**
هیچ‌گاه واژه «تحریم» را به‌کار نبردیم و تنها می‌گفتم که ما در چنین انتخاباتی شرکت نمی‌کنیم. آنچه در این دوران (یعنی از خرداد ۶۰ تا سال ۶۷) مهم بود و محور برنامه‌های نهضت را تشکیل می‌داد، پاسداری از آرمان‌های اولیه انقلاب، مطالبه اجرای اصول قانون اساسی و آگاهی‌بخشی بود. خروجی مجموعه تلاش‌های آگاهی‌بخش مهندس بازرگان و یارانشان در نهضت آزادی، رشد جنبش اجتماعی و آگاهی جامعه بود؛ به‌طوری‌که در دوم خرداد مردم پسین دو گزینه مطرح، «نه» بزرگی که نماینده محافظه‌کاران بود، در انتخابات ۷۶ بحث رای اعتراضی مطرح شد و طبیعی بود که وقتی آقای خاتمی بحث توسعه سیاسی را به میان آوردند، رای اعتراضی ما به سبب رای آقای خاتمی ریخته شد.

✎ **اما نهضت آزادی در سال ۷۶ مشخصا از آقای خاتمی حمایت نکرد و رای سفید داد.**

قبل از این انتخابات گروهی به اسم «تلاشگران» به‌وجود آمده بود، جمعی از اعضای نهضت و شخصیت‌های ملی بودند که در بیانیه‌ای با توجه به رد صلاحیات نامزدهای خودشان -آقایان مهندس معین‌فر، مهندس سحابی و دکتر یزدی - اعلام رای اعتراضی کردند اما وقتی در جریان تبلیغات انتخابات مواضع توسعه سیاسی آقای خاتمی مشخص شد، عملا رای اعتراضی به نام آقای خاتمی نوشته شد. گفتمان مهندس بازرگان و عملکرد نهضت آزادی همواره جامعه‌محور بوده، نه قدرت‌محور. این فرایند آگاهی‌بخشی و توسعه جنبش اجتماعی در دهه ۶۰ موجب شد که جامعه با آگاهی و هوشمندی به «نه بزرگ» خود به نامزد محافظه‌کاران ۲۰ میلیون رای به آقای خاتمی بدهد. جنبش اصلاحات یک‌دفعه خلق نشده، بلکه در فرایندی به تدریج توسعه پیدا کرده است. این جنبش اجتماعی در دوره‌های بعد هم توسعه پیدا کرد. اما برگردیم به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۶۴.

✎ **آقای توسلی! سال ۶۲ نهضت آزادی بیانیه‌ای درخصوص دستگیری و دادگاهی‌شدن اعضای حزب توده دارد. این بیانیه خیلی تند است و در تضاد با مواضع آزادی‌خواهانه نهضت آزادی، ماجرا چه بود؟ چرا از دستگیری و اعترافات تلویزیونی اعضای حزب توده استقبال کردید و از الفاظی مانند «حزب خائن توده» استفاده کردید؟ مرحوم بازرگان چقدر در تأیید متن بیانیه نقش داشتند؟**
متن این بیانیه که در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۶۲ صادر شده است، خواندنی است و انعکاس واقعیت‌ها و عملکرد نفاق‌آمیز حزب توده و خیانت به آرمان‌های انقلاب و منافع ملی بود. ببینید در زندان سال ۴۳ بعد که سران و رهبران نهضت بازداشت شدند و بعد به برازجان فرستاده شدند، با حزب توده همین‌ند. خاطرات عمومی و دیگران را بخوانید؛ روابط انسانی که مهندس بازرگان و دکتر سحابی و دیگر اعضای نهضت با اینها داشتند را ببینید. اما وقتی مسائل کلان اجتماعی و منافع ملی مطرح می‌شود، بحث چیز دیگری است. مهندس بازرگان که بعد از شهریور ۲۰ کار اجتماعی خودشان را شروع کردند، به‌لحاظ اعتقادی بزرگ‌ترین

چالش خود را مارکسیسم و حزب توده می‌دانستند. آنها فضای جامعه را اشغال کرده بودند. به‌رغم این مسئله، مهندس بازرگان به‌عنوان رئیس دانشکده فنی و استاد دانشگاه و یک نقشگر فرهنگی و اجتماعی و در بعد سیاسی، همواره با همه مناسبات دموکراتیک داشتند و کوشش می‌کردند که آنها فکرشان را مطرح کنند. اما حزب توده از قبل از انقلاب، از دی و بهمن ۵۷ تمام سازمان خود را به داخل ایران آورد و همان‌طور که آقای کیاوری توضیح می‌دهند، واژه «مرگ بر لیبرال» را آنها مهندسی و طراحی کردند. آنها شعار «مرگ بر بازرگان» و «مرگ بر لیبرال» را در مدارس، نهادهای و حتی نماز جمعه با عوامل نفوذی خودشان دیکته کردند.

آنها این تحلیل را داشتند که تکنوکرات‌ها و مدیران پوستانه ایلی نیستند که با یک ضربه از بین می‌رود. اما اینها با مسائل فرهنگی ایران آشنا بودند که روحانیت ریشه در جامعه ما دارد و این‌طور نیست که با حذف تکنوکرات‌ها و تضعیف مدیریت انقلاب و ناکارآمدکردن آن، خودشان بتوانند به قدرت برسند. بعد از اینکه اسناد جاسوسی حزب توده را آقای عسکراولادی از پاکستان گرفتند، البته پاکستان رابط بود و اسناد را انگلستان به آمریکا داد. اعضای حزب توده دستگیر شدند. حزب توده نقش دوگانه و مناقفانه‌ای در انقلاب بازی کردند. آنها در دوران انقلاب دو جبهه تعریف می‌کردند، جبهه انقلاب و جبهه ضدانقلاب. خودشان و حزب جمهوری اسلامی را جبهه انقلاب و خط امامی مطرح می‌کردند و نهضت و مجاهدین و بقیه را به‌عنوان جبهه ضدانقلاب مطرح می‌کردند. به‌لحاظ فکری آنها همیشه متمم می‌بودند، اما ضرباتی که حزب توده به انقلاب و منافع ملی زد، به‌هیچ‌وجه قابل جبران نیست. مهندس بازرگان بعد از تغییر ایندولژی مجاهدین در سال ۵۴ کتابی دارند به عنوان «علمی‌بودن مارکسیسم». بعد از تغییر مواضع مجاهدین حملات تندی به بازرگان شد. حملات آن‌قدر تند بود که آن مواضع برای اعضای قدیمی مجاهدین هم خلق هم‌قایل‌خواندن نیست. ولی مهندس بازرگان در آن کتاب به صورت نظری مسئله را باز کرد که چرا ما با مارکسیسم مخالفیم. پس آنجایی که بحث نظری بود ایشان کتاب می‌نوشتند و بحث می‌کردند اما اینجا که ضرایب سنگینی به منافع ملی زدند، طبیعی بود که این‌طور واکنش نشان دهند.

✎ **می‌رسیم به سال ۶۴ و نامزدشدن آقای بازرگان.**
بعد از حمله صدام به خاک ایران، همه توافق داشتند که باید از کشور دفاع کرد و همه باید حضور داشته باشند و این وظیفه ملی و دینی است. اما بعد از آزادی خرمشهر تمام تحلیل‌ها نشان می‌داد که ادامه جنگ در راستای منافع ملی ما نیست. از خرداد ۶۱ و پیروزی در خرمشهر تمام اظهارنظر‌های نهضت خصوصی و خطاب به شورای عالی دفاع بود. از سال ۶۴ جنگ به بحران رسید و از آن سال به بعد تمام بیانیه‌های ما سرگشاده شد. ۵۳ نشریه راجع به جنگ داریم؛ از ۶۴ تا ۶۷ تا آخرین آنها «هشدار» است که به قلم مهندس بازرگان نوشته شده است. توصیه می‌کنم مستقل از محتوا به‌لحاظ نگارش آن مطلب خوانده شود. مهندس بازرگان نامه هشدار را با دره‌زهره خود خود نوشته‌اند و البته هزینه سنگینی هم برای آن پرداخته شد. امروز که اسناد و مدارک جنگ منتشر شده است، می‌بینیم از همان سال ۶۴ بحث‌ها درخصوص اینکه دیگر خزانه خالی شده است و امکانات جنگی لازم وجود ندارد، مطرح شده است.

در این فضا، سال ۶۴ مهندس بازرگان و دوستان ما احساس تکلیف کردند که باید در عرصه سیاسی حضور داشته باشند. مهندس بازرگان با تبادل نظری که جمعی از نیروهای ملی با ایشان انجام دادند، تصمیم گرفتند که در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نامه کنند تا شاید بتوانند جلوی خیلی از هزینه‌های سنگینی را که برای تداوم جنگ بر کشور تحمیل می‌شود، بگیرند. آقای مهندس بازرگان ثبت‌نام کردند. تصور اینکه ایشان رد صلاحات شود، وجود داشت.

✎ **سفر شما و مهندس بازرگان به آلمان بعد از این اتفاق است؟**

بله بعد از این اتفاق بود، عرض می‌کنم. ما آن انتخابات خروجی‌های خوبی داشت. انتخابات جمعی را دور هم جمع کرد و «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» تشکیل شد.

✎ **محوریت این جمعیت با مرحوم بازرگان بود؟**

طبیعی بود، نهضت و مهندس بازرگان محوریت داشتند. آقای بازرگان، دکتر یزدی و دکتر سحابی، از نیروهای ملی آقای اردلان- وزیر دارایی دولت موقت- و بخشی از نیروهای ملی نزدیک به نهضت مانند مهندس معین‌فر عضو این جمعیت بودند. این جمعیت با بیانیه‌هایی که در سال‌های ۶۴ تا ۶۹ می‌داد، نقش مؤثری در آگاهی‌بخشی جامعه داشت. آخرین بیانیه آن چه بود؟

✎ **نامه سرگشاده ۹۰ امضای.**

آن نامه چه بود؟ زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی نوشته شد. نامه را اگر بخوانید خیلی مؤدبانه و حقوقی از آقای هاشمی خواسته شده بود که اصول فصل سوم قانون اساسی یعنی حقوق اساسی ملت را اجرا کنند و در حوزه اقتصادی هم تذکر داده بود که این استقراض‌هایی که می‌کنید به لحاظ اقتصادی توجیه‌کردنی نیست و نیاز به بازنگری دارد. بعد از این نامه ۲۴ نفر از امضاکنندگان بازداشت شدند! بعد از مدتی هم ۹ نفر از آنها، به زندان محکوم شدند. آقای هاشمی نامه ما صبحه با مجله لوموند گفتند ما کسبی را به‌خاطر امضای نامه نگرفتیم و اینها پرونده جاسوسی داشتند. آقای محمد یزدی هم در خطبه نماز جمعه همین حرف را زدند. در صورتی‌که در پرونده ما تنها امضای آن نامه بود. خدمات جمعیت داستان مفصلی است. شما امضا‌های پای آن نامه را ببینید، همه شخصیت‌های دینی و ملی مطرح آن را امضا کرده بودند.

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه اول

دلاری تازد

به‌هرحال دولت به‌واسطه صادرات نفت، بزرگ‌ترین دارنده دلار در کشور است و ورود و خروج ارز از بازار نیز در اختیار دولت قرار دارد. سه نوع پول در اقتصاد وجود دارد که شامل درآمد خالص، درآمد صادرات و واردات و درآمد پولی است. درآمد پولی، همان پولی است که دولت با دست‌کاری بازار مالی به دست می‌آورد و سعی در کسب درآمد پولی بیشتری دارد. وجود این پول در اقتصاد خطرناک است چراکه می‌تواند باعث رشد تورم در کشور شود.

اینکه هم‌اکنون قیمت ارز بالا می‌رود، می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. یکی اینکه دولت می‌خواهد کسری بودجه را جبران کند؛ به جای اینکه پول چاپ کند. تورم این کار کمتر از چاپ پول است که البته مسئولان دولت، این مسئله را تکذیب می‌کنند. دکتر روحانی موفق شده تورم را به ۱۰ درصد برسانند و آن را تکریمی کند و احتمالا تیم اقتصادی دولت می‌دانند این رشد بهای ارز حتی برای پرکردن برخی کسری‌ها، می‌تواند این دستاورد دولت یعنی تورم تکریمی را دچار مشکل کند. معضولا یکی از راهکارهایی که دولت با آن می‌توانند باعث کاهش نرخ دلار شود، ورود دلار به بازار است. اگر به روند افزایش نرخ دلار در ماه‌های اخیر بنگریم، مشاهده می‌کنیم روزهای نخست شهریور، دلار روندی افزایشی یافت و از سه‌هزار و ۸۰۰ تومان فراتر رفت. حدود یک ماه بعد، در اواسط مهر، قیمت دلار به چهار هزار تومان رسید. افزایش قیمت دلار فقط بازار آزاد را تحت‌تأثیر قرار نداده، بلکه نرخ ارز دولتی نیز در این مدت نوساناتی داشته است. تا جایی که در یک ماه گذشته متناوب افزایش قیمت را تجربه کرده است. قیمت طلا و سکه نیز همواره هم‌جهت با قیمت ارز حرکت می‌کند. به گفته رئیس اتحادیه طلا و جواهر دو هفته پیش حباب ۲۰۰هزارتومانی در بازار به وجود آمده بود. بر این اساس باید گفت که برای جلوگیری از تلاطم بازار ارز نیاز به کنترل قیمت سکه است، زیرا افزایش قیمت سکه باعث رشد نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی می‌شود. اقدام بانک مرکزی مبنی بر راه‌اندازی حراجی سکه نیز بی‌سابقه نیست.

در گذشته هم برای تعدیل قیمت‌ها شاهد وقوع چنین اتفاقی بودیم. درواقع این حراجی منجر به کاهش فاصله‌ع عرضه و تقاضا می‌شود و حبابی که در بازار سکه به وجود آمده از بین می‌رود. برخلاف آنچه برخی منتقدان مطرح می‌کنند، یکی از وظایف بانک مرکزی تثبیت قیمت سکه و ارز است.

شاید بدون عملکرد بانک مرکزی، امروز سکه به ارقام بالاتری قیمت‌گذاری می‌شد. در کشور‌های دیگر هم چنین اتفاقی شایع است. برای مثال، کشور چین قیمت ارز را بالا می‌برد تا بتواند صادرات مناسبی داشته باشد. اما کشور ما که شرایط صادراتی مناسبی ندارد، برای جلوگیری از تلاطم ارز نیاز به کنترل قیمت سکه دارد. بانک مرکزی از اهرم‌های متفاوتی برای کنترل نرخ ارز و قیمت سکه و استفاده می‌کند که صدور مجوز واردات یا صادرات طلا و راه‌اندازی حراجی سکه تنها چند مورد آن است. درباره گسترش دلالی در بازار طلا و سکه هم باید اشاره کرد که متأسفانه در نگاه مردم سکه و طلا نه یک کالا مصرفی که یک وسیله سوداگرایانه است.

این نوع نگاه باعث می‌شود بازار سکه نوسانات زیادی داشته باشد. چنین نوساناتی ناشی از ضعف فرهنگ اقتصادی است. اگر این فرهنگ اصلاح نشود به‌زودی بحرانی دیگر در بازار ایجاد خواهد شد. به توجیه واقعیت‌های بازار به نظر می‌رسد باقی‌ماندن دلار در میانه چهار و پنج هزار تومان دور از ذهن نباشد. این نرخ تازه برای صادرکننده‌ها اتفاقی خوشایند است و برای تولیدکننده‌هایی که متکی بر واردات مواد اولیه هستند، برهم‌خوردن تعادل در هزینه‌های تولید را در پی خواهد داشت و به‌تبع آن، نرخ محصولات نیز بالاتر می‌رود.

اقتصاد ایران بیش از هر زمانی نیازمند اصلاحات نهادی است. اگر نهادهای پیشرفته و سازمان‌های حقوقی پیشرفته شکل بگیرند و جامعه مدنی منسجمی پدید آید و به‌تولاج اجتماعی جامعه است، اهداف توسعه و رفاه ملی و ریشه‌کنی فقر و بی‌کاری را محقق کنند. در فصل بررسی بودجه، تلاش بیشتر برای کارآمدی و عملیاتی‌شدن سند دخل و خرج سال آینده هم می‌تواند به کاهش نرخ ارز و تثبیت روندهای توسعه‌ای کمک کند.